

بزم حضور

حضرت آیت الله العظمی صافی

بسم الله الرحمن الرحیم

بزم حضور: دفتر شعر رضوی

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف اللّه صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بزم حضور: دفتر شعر رضوی

مشخصات کتاب

سرشناسه : صافی گلپایگانی، لطف‌الله، ۱۲۹۸ –

عنوان و نام پدیدآور : بزم حضور: دفتر شعر رضوی/ صافی گلپایگانی؛ به کوشش احمد کریمی.

وضعیت ویراست : ویراست ۲.

مشخصات نشر : قم: دفتر آیت‌الله‌العظمی شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری : ۷۷ ص.؛ ۱۴×۲۱ س‌م.

شابک : ۱۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۰۵-۴۵-۲

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : چاپ قبلی: راسخون، ۱۳۸۴.

یادداشت : چاپ دوم.

عنوان دیگر : دفتر شعر رضوی.

موضوع : علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳؟ – ۲۰۳ق. -- شعر

موضوع : معصومه (س) بنت موسی‌کاظم (ع)، ۱۸۳؟ – ۲۰۱؟ق. -- شعر

موضوع : شعر مذهبی -- قرن ۱۴

موضوع : شعر فارسی -- قرن ۱۴

شناسه افزوده : کریمی، احمد، ، ۱۳۵۳ –، گردآورنده

شناسه افزوده : دفتر آیت‌الله العظمی شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

رده بندی کنگره : PIR۸۱۳۱ /الف۷۳۳ب۴ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی : ۸فا۶۲/۱

شماره کتابشناسی ملی : ۲۷۱۹۵۱۰

حریم خدا

اشاره

مجموعه اشعار پیرامون حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه آلاف التحیه و الثناء

آستان رضا

شهی که درگه او سجده‌گاه مرد و زن است

امان خلق، امین خدا ابوالحسن است

امام ثامن و ضامن، جهان عزّ و جلال

که ملجأ همگان در نوائب و محن است

سپهر علم و عمل، پاک از خطا و خطل

سرشته از کرم و جود و حجّت زمن است

ز نور طلعت او پرتوی بود خورشید

ز بوی تربت او ذرّه نافه ختن است

طواف مرقد او سیر در بهشت لقا

زیارت حرم او بهشت را ثمن است

بزم حضور، ص: ۸

مرا بس است همین افتخار و عزّت و شأن

که از ازل ز ولایش به گردنم رسن است

هزار سال سراید مدیحش ار «لطفی»

هنوز حرف نخستین و مطلع سخن است

شکوه عید غدیر اندر آستان رضا

نوید بخش نجات از شداید و فتن است

به هرکجا که روم جشن و شادی است و سرور

به هر که می‌نگرم ماه‌صورت و حَسن است

برای خویش گزیده است هر کسی وطنی

مرا جوار ولی مرتضی علی وطن است

هر آنکه رفت به زیر لوای احمد و آل

رها ز غصّه دنیا و فکر ما و من است

مشهد مقدس، عید سعید غدیر ۱۴۰۹ ه. ق

بزم حضور، ص: ۹

سلطان دین

بر آن سرم که کنم پاره مانع دیدار

برون جهم ز حصار طبیعت و پندار

به آب توبه بشویم صحیفه اعمال

به اشک چشم کنم پاک فطرت از زنگار

بر آن سرم که شوم آشنای عالم قدس

برون کنم ز دلم دوستی این مردار

بگیرم عبرت از اوضاع این سرای سپنج

که بهر کس نبود اندر آن مجال قرار

چه اعتماد بر این روزگار پر آشوب؟

چه اعتماد بر احوال گنبد دوّار؟

بزم حضور، ص: ۱۰

سزاست آنکه نمایم تدارک مافات

به سوز حال ندامت به آه استغفار

به مدح حضرت سلطان دین امام رضا

به افتخار نمایم ولای خود اظهار

امین قادر سبحان، امان خلق زمان

سپهر مجد و کرامت، مکان عزّ و وقار

ولی ثامن و ضامن، خدایگان شرف

بزرگ ظلّ خداوند قادر جبّار

امام مشرق و مغرب علی بِن موسی

سلیل ختم رسولان، محمّد مختار

غیاث عالمیان حجّت خدای جهان

قوام ملّت و دین، نجل حیدر کرّار

طواف مرقد او هست منتهی الامال

نگاه رحمت او هست مقصد ابرار

غبار خاك درش توتیای چشم ملك

ضیای قبّه او شمع محفل احرار

بزم حضور، ص: ۱۱

فضائلش بود افزون ز قطره‌ی امطار

مناقبش بود افزون ز موج‌های بحار

ز آب جوی حریمش نمونه‌ای زمزم

ز بوی عطر رواقش نشانه مُشک تتار

به درگهش به تذلّل نمایم استشفاع

ز روضه‌اش به ضراعت نمایم استنصار

ز حق به مشهد او باد رحمت و صلوات

ز ما درود و تحیّات بی‌حد و بسیار

سؤال «لطفی صافی» ز حضرتش این است

که در شداید و اهوال باشدش او یار

شوال ۱۴۱۱ ه. ق، اردیبهشت ۱۳۶۹

بزم حضور، ص: ۱۲

شرح اشتیاق

الا باد صبا ای پیک عشّاق

پیامی بر از این مهجور مشتاق

به سوی خطّه قدس خراسان

به طور پور موسی قطب امکان

به سوی مقصد پاکان و خاصان

به سوی قبله ارباب عرفان

به سوی کعبه اصحاب حاجات

به دار معجزات و خرق عادات

مکان علم و توحید و فضیلت

مقرّ پیکر پاک حقیقت

بزم حضور، ص: ۱۳

به درگاه رضا سبط پیمبر

غیاث خلق عالم، غوث اکبر

رواقش رشک فردوس برین است

هوایش مشک بیز و عنبرین است

رضا شاهنشه ملك فضایل

ستوده سیرت و نیکو خصایل

جهان مکرمت، مصباح بینش

سپهر مرحمت، دریای دانش

امام مشرق و مغرب، شه دین

مکان عزّت و اجلال و تمکین

فروزان مهر پر نور ولایت

درخشان درّ دریای امامت

جمال الله و وجه‌الله اعظم

ولی الله و سرّ الله اقوم

سلامم را نما تقدیم کویش

مشام جان معطّر کن ز بویش

بگو «لطفی» غمین و دل فکار است

جدا از روضه‌ات محزون و زار است

بزم حضور، ص: ۱۴

زهجرم آن چنان اندر تب و تاب

که ماهی آن چنان در خارج از آب

الا ای مظهر الطاف باری

ز درگاه تو خواهم رستگاری

خجسته درگهت باب نجات است

و ز آن خلق جهان را بس صلات است

خوشا حال نکوی خادمانش

خوشا حال حضور زائرانش

خوشا آنان که آنجا در نمازند

خوشا آنان که در راز و نیازند

الا ای معدن لطف و عنایات

الا ای مرکز جود و کرامات

از این بار غم و این نار هجران

خلاصی ده مرا ای رکن ایمان

قبولم کن که سر تا پا خطایم

گدای کوی احسان شمایم

دوم شوال ۱۴۱۰ ه. ق

بزم حضور، ص: ۱۵

خاکسار دوست

باز آمدم به طوس به شهر و دیار دوست

شهر شهادت و حرم مشکبار دوست

شهری که هست قبله عشاق و عارفان

شهری که هست مشتهر از اشتهار دوست

شهر وفا و طور لقا مشهد رضا

دارد شرافت از شرف و اعتبار دوست

ز آن طوس گشته شهره آفاق کاندر آن

گردیده دفن، پیکر پر افتخار دوست

می‌سوختم ز آتش سوزان هجر او

شکر آن که باز، کرد نصیبم جوار دوست

آب حیات و عمر ابد کی برابر است؟

بزم حضور، ص: ۱۶

با دولت حضور دمی در کنار دوست

امر جهان و نظم امور جهانیان

ز امر خدا است در کف با اقتدار دوست

صف بسته‌اند خیل ملائک به احترام

در روضه مقدس گردون‌مدار دوست

ما را سخن زبیش وکم و هست ونیست، نیست

بگزیده‌ایم خطّ و ره اختیار دوست

من کیستم که در ره او جان فدا کنم؟

جانم فدای آنکه بود جان نثار دوست

جود و گذشت و مردی و ذرّه پروری

رحم و وفا و مهر و کرم هست کار دوست

تنها نه خاکسار در دوست گشته‌ام

من خاکسارم آنکه بود خاکسار دوست

در کفشداری حرم شاه دین رضا

من کفشدار آنکه بود کفشدار دوست

صفر المظفر ۱۴۱۰ ه. ق

بزم حضور، ص: ۱۷

شادباش

زما به حضرت سلطان دین امام رضا

هزار تهنیت و شادباش و مدح و ثنا

بزرگ حجّت حق هشتمین امام بحق

ظهور عزّت یزدان، شفیع روز جزا

امام مشرق و مغرب علی بِن موسی

جهان دانش و بینش سپهر جود و سخا

عطا نمود خدایش یگانه فرزندی

که آسمان و زمین را ز بود او است بقا

قدم گذارد به عالم خجسته نوزادی

که زنده گشت ز یُمن قدوم او دنیا

بزم حضور، ص: ۱۸

فرشتگان همه اندر مسرّت و شادی

پر از شعار نشاط است عالم بالا

جهان ز نور جوادالائمه روشن گشت

گشوده شد در دیگر به سوی طور لقا

هزار سال بگوید مدیحش ار «لطفی»

هنوز شمّه‌ای از مدح او نکرده ادا

رجب المرجب ۱۴۱۰ ه. ق

بزم حضور، ص: ۱۹

ولای رضا

ای حرمت قبله اهل وفا

خاک درت سجده‌گه اولیا

ای شرف مشعر و خیف و منی

بیت و حرم، زمزم و حجر و صفا

ای متجلّی ز و جودت خدا

فرعِ وجودِ تو زمین و سما

حجّت حق، سبط رسول امین

محور دین، معدن جود و سخا

رهبر کل، عالِم آل نبی

مهر درخشانِ سپهر حیا

بزم حضور، ص: ۲۰

جان جهان، خلاصه ماء و طین

نور مبین، سَرور اهل ولا

امام ثامن، مه برج یقین

امان مردم، خلف مصطفی

روضه تو رشک بهشت برین

بارگهت بارگه کبریا

به خالقی بنده فرمان پذیر

به ماسوا امیر و فرمان روا

صاحب آیاتی و ذوالمعجزات

مرکز احسانی و مهر و عطا

ای به تو مرجوع، امور جهان

حکم همایونِ تو حکم قضا

آگهی از حال همه مسلمین

ز وضع دوران و ز آشوب‌ها

دشمن مکّار، زغرب و ز شرق

ریگن و گورباچفِ لینین‌ستا

بزم حضور، ص: ۲۱

به هر کجا بلاد اسلام را

نموده آماجِ سهامِ جفا

ببین به افغان و به غزنین و بلخ

به کابل و شهر هرات از وفا

قشون ویرانگر وحشی روس

دشمن آزادی و دینِ خدا

به خاک و خون کشیده پیر و جوان

کودک و نوزاد و رجال و نسا

ببین به لبنان و جنوب یمن

به قدس و بلغار و به افریقیا

به شهر بغداد و دیار عراق

به کاظمین و نجف و کربلا

به مسقط و کویت و سودان و مصر

به مکّه و مدینه و سوریا

به هند و کشمیر و به لاهور و سند

به خطّه بزرگ اندونزیا

بزم حضور، ص: ۲۲

به مُلک ترکیه و اسلامبول

به باکو و به تاشِکند و داکا

به زنگبار و به اریتاریا

اردن و سومالی و تانزانیا

به شهر صنعا و خلیج و قطیف

به مغرب و جزایر و لیبیا

به نیجریه و به تاجیک و ترک

به مالی و تونس و آلبانیا

به نیجر و گینه و بحرین و چاد

به ازبکستان و به مالیزیا

به هر بلاد و هر دیار دگر

که مسلمین را وطن است و سرا

ببین که چون ز کید اعداء دین

تجزیه گردیده و از هم جدا

به هر کجا نظامی و حاکمی است

قدْ بَر بیگانه نموده دو تا

بزم حضور، ص: ۲۳

نظامشان نظام اسلام نیست

کفر و فساد است از آن بر ملا

ببین به ایران به پاخاسته

به مرکز ولای آل عبا

به نوجوانان فداکار آن

به قهرمانان قیام و وفا

به یاوران دین و شرع قویم

به شیعیان علی مرتضی

گذشته از جان و زن و مال و نام

گسسته از علایق ما سوا

ای سر خوبان و سپهر یقین

حافظ دین، شافع یوم الجزا

پناه اسلامی و اسلامیان

به اذن حق قدیر بر ما تشاء

ز مسلمین چشم عنایت مگیر

مگیر بر لغزش و تقصیر ما

بزم حضور، ص: ۲۴

فتنه و شر گو همه عالم بگیر

ما و تمسک به ولای رضا

«لطفی صافی» و مدیح تو هست

قطره برِ قلزم بی انتها

پر کند از مدح و ثنا گر جهان

حقّ ثنای تو نسازد ادا

رهد ز اندوه و محن آنکه گشت

معتکف اندر سر کوی شما

بحر سخایید و امان الوری

غوث جهانید و لیوث الوغا

مشهد مقدس، یازدهم ذی الحجه ۱۴۰۶ ه. ق

بزم حضور، ص: ۲۵

خاک پاک

دو قبر است در طوس نزدیک هم

یکی مرقد پاک خیر امم

سپهر وفا و مکان حیا

سرشته ز لطف و ز جود و کرم

امان الوری ضامن عاصیان

مه برج ایمان، ولی النعم

امام مبین رهبر مؤمنین

عدیل نبی فخر عُرب و عجم

امامی که در رفعت قدر و شأن

بر افراشته فوق گردون علم

بزم حضور، ص: ۲۶

مؤید به او شرع پاک نبی

معظّم از او بیت و حجر و حرم

ولی خدا حجّت دین پناه

خجسته خصال و ستوده شِیَم

غلام درش را نباشد نظر

به ملک سلیمان و کاووس و جم

تواند کند زنده عظم رمیم

به بوی و به موی و به رویش قسم

مزارش بود ملجأ خاص و عام

وصالش بود رافع همّ و غم

علی بن موسی الرّضا شاه دین

مهین پیشوای ملایک خدم

دگر قبر هارون ملعون که هست

سر طاغیان، اصل شرّ و ستم

چو این قرب در صورت و ظاهر است

نشد قبر هارون از آن محترم

بزم حضور، ص: ۲۷

نگردید از قرب رجس پلید

ز قدر امام زکی، هیچ کم

به هارون همه لعن و نفرین کنند

رضا را ببوسند خاک حرم

به پیغمبر و آل، دائم درود

به اعدایشان لعن حقّ دم به دم

صفر المظفر ۱۴۱۰ ه. ق

بزم حضور، ص: ۲۸

حریم خدا

خدا را حریمی است اندر خراسان

که هر کار مشکل در آن سازد آسان

حریمی ظهور عنایات الله

حریمی به رفعت فراتر ز کیهان

کمال ابد اندر آن در تجلی

جمال ازل اندر آنجا نمایان

حریمی چو کعبه مطاف خلائق

از آن آفتاب حقیقت فروزان

گدای درش را بود بی‌نیازی

ز حور و قصور و ز غلمان و رضوان

بزم حضور، ص: ۲۹

حریمی که از قبّه پر فروغش

بود در تُتق، نور تا عرش رحمان

هوایش چو خلد برین روح‌افزا

نسیمش نشاطآور و عنبر افشان

حریمی همه فیض بی حدّ باری

حریمی همه رحمت و روح و ریحان

رواقش بود رشک فردوس اعلا

جنابش بود قبله اهل عرفان

براهیم و نوح و مسیحا و موسی

در آنجا نشستند بر خوان احسان

زمین‌بوس او صبح و شب، ماه و خورشید

برِ رتبه‌اش پست مریخ و کیوان

از آنش بود این همه شأن و عزّت

وز آن یافت این احترام فراوان

که شد مدفن پور موسی بن جعفر

در آن آرمیده است ناموس یزدان

بزم حضور، ص: ۳۰

خداوند مُلک کمال و فضایل

امام مبین، کهف دین، اصل ایمان

به اسرار تنزیل و تأویل آگه

به احکام حق، رهنما و نگهبان

زمین و زمان و همه مُلک هستی

به امر خدایش بود زیر فرمان

سپهر معالی و روح معانی

علی بن موسی الرضا قطب امکان

به خلق است حجّت ز سوی خداوند

به خالق وجودش دلیل است و برهان

ایا عالم آل و قرآن ناطق

امین خدا یاور مستمندان

ایا قرّهٔ العین طه و یاسین

ایا وارث علم و مجد نیاکان

تویی صاحب معجزات و کرامات

تویی شافع شیعیان و محبّان

بزم حضور، ص: ۳۱

اگر رو سیاه و گناهم بزرگ است

و گر صرف گردیده عمرم به خسران

به «لطفی» ز لطف شما این عجب نیست

شماریدش اندر ردیف غلامان

به هنگام مرگ و در اهوال دیگر

شفاعت نمایید زین غرق عصیان

مشهد مقدس، ۲۸ ذی القعدهٔ الحرام ۱۴۰۷ ه. ق

بزم حضور، ص: ۳۲

رضای رضا

سگم پاسبان سرکوی دوست

ز مهرش مرا پُر رگ و پیه و پوست

علی بن موسی امام مبین

که نزدش ز حق رازهای نکوست

سلیل نبی مهتر شیخ و شاب

که گلزار دین را از او رنگ و بوست

غیاث ملل پیشوای امم

خدای جهان را ید و عین و روست

امان الوری رهبر دین‌پناه

که مخصوص لطف و عنایات هوست

بزم حضور، ص: ۳۳

ولی خدا آنکه دین را از او

بسی عزّت و شوکت و آبروست

گرفته است صیت علوّش جهان

چو جدّش پیمبر به خلق و به خوست

عطایش به بارش چو ابر بهار

به هر شهر و هر مملکت کو به کوست

چه قهر و بلا و چه لطف و عطا

به ما آنچه او می‌پسندد نکوست

مرا از جهان و از این و از آن

رضای رضا بهترین آرزوست

به این سگ اگر لطف کرد و کرم

نباشد عجب چون کرم کار اوست

مشهد مقدس، ۴ ربیع الثانی ۱۴۱۹ ه. ق

بزم حضور، ص: ۳۴

کعبه رضا

بیا که قبله دل، کعبه رضا اینجاست

بیا که مشرق انوار کبریا اینجاست

بیا به طور تجلی بیا به بزم حضور

بیا که معنی والشمس و والضحی اینجاست

دری که هر که بساید به آستانش سر

ز رنج و محنت و غم می‌شود رها اینجاست

اگر که ملتجی و مضطر و پریشانی

بیا که مقصد ارباب التجا اینجاست

بیا به عرض نیاز و ادب که ز امر خدا

کسی که تابع حکمش بود قضا اینجاست

بزم حضور، ص: ۳۵

به هوش باش در این آستان عرش‌نشان

که رکن دین خدا، فخر ما سوا اینجاست

بیا که درگه شمس الشموس، رأس رئوس

که خلق راست به خلّاق رهنما اینجاست

مزار رهبر هشتم امان خلق جهان

قویم عروه دین مشهد لقا اینجاست

به پای عجز و به حال خلوص درآی

به این حرم که سرِچشمه بقا اینجاست

بیا به روضه رضوان و وادی ایمن

بیا که حجْر و حجَر، زمزم و صفا اینجاست

دهید مژده به بیمار و دردمند غمین

که آنکه هست به درد و مرض شفا اینجاست

جمال صبح ازل، نور دیده حیدر

سلیل خیر رسل ختم انبیا اینجاست

امام ثامن ضامن علی بِن موسی

بزرگ حجت حق، آیت خدا اینجاست

بزم حضور، ص: ۳۶

بیا بیا و طلب کن هر آنچه می‌خواهی

که منبع کرم و معدن سخا اینجاست

بیا چو «لطفی صافی» بگو به بانگ رسا

بیا که روضه سلطان دین رضا اینجاست

به گوش «لطفی صافی» سروش غیب، سرود

بیا که روضه سلطان دین، رضا اینجاست

۱۶ جمادی الثانی ۱۴۲۱ ه. ق

بزم حضور، ص: ۳۷

خسرو ملک امکان

امام به حق، خسرو ملک امکان

ولی خدا، معدن جود و احسان

طفیل وجودت همه آفرینش

نگهدار دین و نگهبان قرآن

مهین بضعه مصطفایی که هستی

امین خدا یاور مستمندان

علی بن موسی الرضا قطب عالم

امان جهان و ملاذ محبّان

ولایت بود رکن ایمان و بغضت

عذاب جحیم است ونیران وخسران

بزم حضور، ص: ۳۸

حریمت بود قبله اهل حاجات

رواقت بود کعبه اهل عرفان

به درگاهت ای رهبر و هادی خلق

مرا شکوه‌ها هست از وضع دوران

جنایات روسیه و آمریکا

فزون گشته از حد به خلق مسلمان

الا ای امام رئوف مؤیّد

ببین بر عراق و فلسطین و لبنان

الا ای مه آسمان ولایت

برون آر از آستین، دست یزدان

به خلق چچن بین و کشمیر و بحرین

به مصر و به تاجیک و قرقیز و افغان

بزن گردن یلتسین و کلینتون

بکن ریشه جور و طغیان و عدوان

ز ظلم طواغیت شرقی و غربی

شده تیره چون شام، روز ضعیفان

بزم حضور، ص: ۳۹

زایران بلند است آوای تکبیر

بلند است اعلام اسلام و ایمان

هلا ای گنه‌کار پژمرده احوال

رسان خویشتن را به این باب غفران

در این روضه از رحمت بی‌نهایت

نگردد امیدی مبدّل به حرمان

من روسیاه و گنه‌کار و افگار

ز کردار بد سخت باشم پشیمان

به لطف تو امیدوار است «لطفی»

که تا دردهایش کنی جمله درمان

بیایی به سر وقت او وقت مردن

در آن حالت هولناک و پریشان

به هنگام تشرف به زیارت حضرت ثامن الائمه علیهم‌السلام توسلًا به آستان فرشته پاسبان آن امام عطوف رئوف سروده شد و در غرّه ربیع المولود ۱۴۰۶ در حرم مطهر در محضر آن حضرت، عرض شد.

بزم حضور، ص: ۴۰

آفتاب دین

ای مهین ولی خدا پادشاه کشور دین

آفتاب چرخ شرف، رهنمای اهل یقین

مرقدت مطاف فلک، مرکز نزول ملک

آستان اقدس تو رشک آسمان برین

ما سوا به تو محتاج، عالم از شما باقی

ای به بزم قرب خدا، مقتدا و صدر نشین

ریزه خوار خوان شما هم گدا و هم سلطان

زنده از نوال شما هم غنی و هم مسکین

ای به دردها درمان و ای به زخم‌ها مرهم

کرده حق سرشت مرا با ولایت تو عجین

بزم حضور، ص: ۴۱

بر من ضعیف‌تر از حقیر از کرم نما نظری

بیش از این مخواه مرا خسته و فگار و غمین

چون شود اگر که شوم مورد نوازش تو؟

بحر جود و احسانی من ذلیلم و مسکین

حق جده‌ات زهرا حق شاه مظلومان

یک‌دم از عنایت و لطف، بر من فتاده ببین

حال من پریشان است ذنب من فراوان است

غرق بحر عصیانم مانده‌ام به رنج قرین

چشم ما به سوی شما است ثامن الحجج مددی

از درت مران ما را خوار و مستمند و حزین

مهر توست قرب خدا قهر تو عذاب الیم

آتش جهنم را حبّ تو درِ تسکین

از کرم قبول نما این سگ محبان را

کز تذلل و خواری بر درت نهاده جبین

در سال ۱۳۸۳ قمری که یک اربعین، افتخار تشرّف آستان قدس رضوی علی مشرفها آلاف التحیهٔ والسلام، داشتم سروده شد.
بزم حضور، ص: ۴۲

درودنامه

صبا به روضه سلطان دین امام رضا

رسان سلام و تحیّت، بگو دعا و ثنا

درود ما به همه خادمان این درگاه

که حق خدمت زوّار می‌کنند ادا

به احترام و به خُلق خوش و کمال ادب

نشان دهند خلوص و وفا و صدق و صفا

بلی عزیز و شریف است مَقدم زوّار

که میهمان امام‌اند از غنی و گدا

چه مشهدی است عظیم و چه مجمعی است جلیل

نشان حجر و حرم، مشعر حرام و صفا

جهت تکریم و تجلیل از خادمان مخلص و با صفای حرم مطهر حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه افضل التحیهٔ و الثنا سروده شد.

مشهد مقدس، عید سعید ولادت حضرت سید الشهدا، سوم شعبان ۱۴۲۷

بزم حضور، ص: ۴۳

توسّل‌نامه

سگم بر در آستان رضا

به درگاهش آورده‌ام التجا

کریم البرایا، امام الهدی

جزیر العطایا، ولی خدا

ملک پاسبان و فلک آستان

فراتر ز کیهان و شمس و سما

نمود جلال و جمال ازل

نشان ابر قدرت کبریا

معظّم حریمش چو بیت و حرم

مکرّم رواقش چو طور ندا

بزم حضور، ص: ۴۴

براهیم و موسی و نوح و مسیح

در آن خواستار عطا و سخا

ابوالمعجزات و ابوالبیّنات

امان الوری ثامن الاوصیا

گل بوستان نبی و وصی

در بحر ایمان، مه اصطفا

ایا عالم آل و شمس الشموس

ایا خلق را ملجا و مقتدا

ولایت ز تو محکم اندر نفوس

امامت به تو پر جلا و بها

ز احوال و اوضاع این روزگار

شکایات دارم به پیش شما

بشر در جهان راه گم کرده است

فتادست در راه جهل و خطا

شده دین دگرگون و جهّال دون

در آن می‌نمایند دخل و دغا

بزم حضور، ص: ۴۵

تظاهر نمایند بر منکرات

به موسیقی و تار و ساز و غنا

به یُمن ظهور شه منتظر

سر سَروران مصلح ماسوا

جهان پر نمایید از عدل و داد

نمایید مستکبران را فنا

بگیرید از خصم دون انتقام

درآرید عالم به دین خدا

ز احکام قرآن حمایت کنید

زدایید از ما غم و ابتلا

بزم حضور ؛ ص۴۵

فزایید بر عزّ دین مبین

رهانید عالم زجور و جفا

ز «لطفی صافی» شفاعت کنید

نجاتش دهیدش ز بند هوا

مشهد مقدس، ۲۳ شعبان المعظم ۱۴۳۱ ه. ق

بزم حضور، ص: ۴۶

بهشت لقا

خوشا مشهد و آستان رضا

که می‌بالد از آن زمین بر سما

خوشا حال زوّار آن روضه‌ای

که تابان از آن است نور خدا

خوشا مقبلی کاندران جا ز صدق

بود در مناجات و ذکر و دعا

خوشا حال عشاق آن بارگاه

خوشا حال خدّام فردوس‌جا

خوشا آنکه با قدسیان هم‌نوا

سراید در آن جا مدیح و ثنا

بزم حضور، ص: ۴۷

سلیل نبی مقتدای امم

جهان کرم رهبر اصفیا

سپهر معالی و مجد و شرف

امان الوری ثامن الاوصیا

به علم و به عرفان، چو جدش علی

ز دریای ایمان دُر اصطفا

کمالات او بی حد و بی‌شمار

مقامات او ارفع از ماسوا

جنابش مقدس چو بیت و حرم

مقام و مطاف و منی و صفا

سر کوی او بوستان وصال

رواق حریمش بهشت لقا

الا ای که بیماری و دردمند

بگیر از خداوند اینجا شفا

الا ای که محتاجی و مستمند

الا ای که هستی اسیر بلا

بزم حضور، ص: ۴۸

بخواه از خداوند، حاجات خویش

که گردد حوایج در اینجا روا

هزاران درود و هزاران سلام

ز «لطفی» به آن مفخر اولیا

امید آنکه از مهر و احسان او

ببخشند بر او گناه و خطا

در این بارگاه عطا و سخا

گدایم گدایم گدای رضا

مشهد مقدس، ۱۴۳۱ ه ق

بزم حضور، ص: ۴۹

میقات وصل

ای ملتجی به حضرت سلطان دین رضا

حاجات خود بخواه که گردد همه روا

برهان دین و عالم آل و امان خلق

مهر سپهر مکرمت و معدن وفا

عین خدا و دست خدا آیت خدا

نور خدا امین خدا حجت خدا

بر تن لباس قدس ولایت ز انّما

بر سر به حکم پاک خدا تاج اصطفا

اندر کف کفایت او ز امر کردگار

تدبیر ملک و ملت و تنظیم ما سوا

فضلش عظیم و خُلق کریم و عطا عمیم

بزم حضور، ص: ۵۰

ابر بهار رحمت و بخشایش و سخا

ز امر خدا مسخر او خیل کاینات

مخصوص او به حکم خدا تخت ارتضا

در روضه‌اش فرشته به آواز دلنواز

گوید مدیح و منقبت آل مرتضی

این مشهد عظیم بود مظهر ولا

میقات وصل باشد و محراب اصفیا

اندر رواق او پی تعظیم حضرتش

صف بسته‌اند جمیع ملایک چو اولیا

آید در آن به گوش ندای انا الاله

از بارگاه عزت و از طور کبریا

بر حضرت رسول به آلش ز ما درود

مدح و سلام و عرض عبودیت و ثنا

طی شد به حال غفلت اگر روزگار عمر

پر گشت نامه از گنه و جرم و از خطا

دارم امید آنکه شفاعت کند مرا

از راه لطف و مهر، ولی خدا رضا

۷ رمضان المبارک ۱۴۳۱ ه. ق

بزم حضور، ص: ۵۱

ولایت رضا

ما دولت تسلیم و رضا می‌طلبیم

راهی سوی اقلیم بقا می‌طلبیم

اندر دو جهان، عزّت و اقبال و نجات

از فیض ولایت رضا می‌طلبیم

مشهد مقدس، صفر المظفر ۱۴۱۰ ه. ق

جمال یار

درروضه دوست، آرمیدن چه خوشاست

در باغ وصال، میوه چیدن چه خوش است

اندر حرم فرشته دربان رضا

بی پرده جمال یار دیدن چه خوش است

مشهد مقدس، صفر المظفر ۱۴۱۰ ه. ق

بزم حضور، ص: ۵۲

سعادت و ظفر

تا سایه الطاف رضا بر سر ماست

خورشید بسانِ ذرّه‌ای بر در ماست

تا چاکر آستان قُدسش شده‌ایم

اقبال و سعادت و ظفر چاکر ماست

مشهد مقدس، صفر المظفر ۱۴۱۰ ه. ق

بزم حضور

عارف ز خدا می‌طلبد بزم حضور

عابد به عمل طلب کند حور و قصور

بر مطلب آن کجا رسد مطلب این

کان عین کمال است و بود این ز قصور

مشهد مقدس، صفر المظفر ۱۴۱۰ ه. ق

بزم حضور، ص: ۵۳

دولت وصل

در حضرت دوست، غیر دیدن غلط است

حرف و سخن از غیر شنیدن غلط است

با دولت وصلش ار چه یک لحظه بُود

ملک و ملکوت را خریدن غلط است

صفر المظفر ۱۴۱۰ ه. ق

حضرت دوست

مابیم که از فنا بقا می‌خواهیم

خود از هوس و هوا جدا می‌خواهیم

از حضرت دوست ما لقا می‌خواهیم

در یک سخن از خدا، خدا می‌خواهیم

صفر المظفر ۱۴۱۰ ه. ق

بزم حضور، ص: ۵۵

عرش کبریا

اشاره

مجموعه اشعار پیرامون

حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها

یا فاطمه اشفعی لی فی الجنهٔ

فان لک عنداللّه شأنا من الشأن

بزم حضور، ص: ۵۷

مریم دوران

ای دختر دین و خواهر ایمان

ای مهر سپهر دانش و عرفان

ای اسوه شرم و عفت و عصمت

الگوی وقار و حشمتِ نسوان

ای بنت امام هفتمین، موسی

آن معدن صبر و حجّت یزدان

در چرخ وفا، تو مهرِ رخشنده

در برج حیا، تو اختر تابان

ای رونق دین احمد مرسل

ای پایه رفعتت بر از کیوان

بزم حضور، ص: ۵۸

بر اوج شرف، مثالی از زهرا

در قدس مقام، مریم دوران

در باغ کمال، نوگل یاسین

واز بحر کرم، تو لؤلؤ و مرجان

فیض تو رسد به کهتر و مهتر

کان جلوه بود ز رحمت رحمان

آباء تو جمله رهبران خلق

عالیقدَر و جلال و عالیشان

مهر تو به زخم‌ها همه مرهم

لطف تو به دردها همه درمان

دشواری کارها و سختی‌ها

از فیض عنایتت شود آسان

در وصف تو منطقم بود الکن

در قدر تو عقل واله و حیران

قم از تو شده است قبّهٔالاسلام

فخرش به تو پایدار و جاویدان

بزم حضور، ص: ۵۹

میعاد تقرّب است و عشّ آل

کانون علوم بی حد قرآن

ای گوهر بحر رأفت و رحمت

ای عنصر جود، معدن احسان

بین «لطفی صافی» پریشان حال

سرگشته به تیه حسرت و خسران

طی کرده بهار عمر در غفلت

کرده است سیاه نامه از عصیان

از خوف گناه و هول روز حشر

چون بید، تنش همی بود لرزان

در خجلت از آن بود که در فردا

ظاهر شود آنچه کرده در پنهان

با این همه خواهد از شما کاحوال

گردد به شفاعت شما جبران

با حبّ محمّد و ولای آل

امّید نجات دارد و غفران

بزم حضور، ص: ۶۰

بر احمد و آل، بی حد و بسیار

تسلیم و تحیّات قادر سبحان

بزم حضور، ص: ۶۱

اسوه عفاف

زهی حرم که بود قبّه‌اش سراج امم

زهی حرم که بر افلاک بر زده است علَم

رواق آن به شرافت نمودِ بیت و مقام

زمین آن به فضیلت مثال حجر و حرم

نسیم آن همه جان‌پرور و نشاطانگیز

هوای آن همه آرام‌بخش درد و الم

زهی حرم که بود مرقد حبیبه حق

کریمه دو سرا بانوی فرشته خدم

جناب فاطمه دخت فواطم عظمی

ملاذ عالمیان و مطاف عُرْب و عجم

بزم حضور، ص: ۶۲

زنی چگونه زنی فخر بانوان جهان

زنی چگونه زنی کز خدا بود ملهم

زنی چگونه زنی پرتو جلال رسول

زنی چگونه زنی معدن سخا و کرم

زنی چگونه زنی سرو بوستان بتول

زنی چگونه زنی شبه هاجر و مریم

زنی چگونه زنی اسوه حیا و عفاف

سر سران و اکابر به پیشگاهش خم

ایا کریمه آل نبی و بیت ولی

ایا امینه پروردگار و غوث امم

ایا نهال برومند دوحه یاسین

نبی خصال وعلی فطرت و ستوده شیَم

تو را به اسم اعظم حق مصطفی رسول خدا

تو را به حق علی شاه دین پناه، قسم

تو را به عصمت زهرا و عزّت حسنین

تو را به حضرت سجّاد، نیّر اعظم

بزم حضور، ص: ۶۳

تو را به باقر و صادق، امام دین پرور

تو را به باب گرامیت ملجأ عالم

به حق رهبر هشتم، پناه خلق جهان

بزرگ حجت گیتی مدار، نور اتَم

به نور دیده او حضرت جواد و نقی

به حق عسکری و حق رهبر خاتم

امام مهدی موعود، منجی گیتی

یگانه نخبه اولاد حضرت آدم

همان که پر کند از عدل و داد روی زمین

ز بعد آنکه شود پر زظلم و جور و ستم

به حال «لطفی صافی» نظر کنید که هست

ز هول روز قیامت اسیر غصه و غم

به مسلمین گرفتار در حجاز و عراق

که از جفای عدو روزشان بود مُظلم

عنایتی بنمایید و قاهرانه کنید

زکعبه و ز حرم، قطع دست نامحرم

بزم حضور، ص: ۶۴

زنید ریشه صدامیان کافر کیش

تمامشان بفرستید در دیار عدم

درود ما به رسول و به اهل بیت رسول

که هست منطق ما در مدیحشان ابکم

نصیب دشمن اسلام ضعف و سستی باد

نصیب لشکر دین خدا ثبات قدم

جمادی الاولی ۱۴۱۰

بزم حضور، ص: ۶۵

طور حضور

این بارگه که خاک درش مُشکِ اذفر است

بویش چو بوی خلد برین روح‌پرور است

دارالشّفا و عقده‌گشا و فرح فزاست

باب امان ز محنت فردای محشر است

طور حضور و مطلع نور و مطاف حور

آرامگاه دختر موسی بن جعفر است

خاتون دین پناه که برهان عزتش

هر صبح و شام، صیحه الله اکبر است

هر کس دری و خانه وراهی گزیده است

چشم امید «لطفی صافی» بر این در است [۱]

قم، ۱۰ جمادی الاولی ۱۴۱۰ ه. ق

بزم حضور، ص: ۶۶

گوهر کمال

ای که دل افسرده و غمینی ومضطر

و ای که تو را روزگار کرده مکدّر

خویش ز غم کن خلاص و گیر به اخلاص

رشته‌ای از چادر شفیعه محشر

بضعهٔ خیرالنّساء، صفیّه یزدان

معدن جود و کرم، عزیز پیمبر

گوهر بحر کمال و حشمت و عصمت

اختر برج حیا، سلیله حیدر

طاهره و پاک، هم‌چو مریم عذرا

صاحب عزّ و شرف، حبیبه داور

بزم حضور، ص: ۶۷

مفخر قم عُشّ اهل بیت رسالت

شهر حدیث و محدّثین موقّر

منبع زهد و عفاف و دانش و بینش

مرکز ایمان و قدس و معرفت و فرّ

همچو پدر، قبله حوایج مردم

کارگشای بشر ز کهتر و مهتر

روضه او طور طالبان تجلّی

مهد کرامات و معجزات مکرّر

خاک درش توتیای چشم خلایق

بوی رواقش حیات‌بخش و معطّر

حُرمت آن، هم‌چو حرمت حرم و بیت

حجر و مقام و صفا و زمزم و مشعر

مرقد پاکش مطاف عالی و دانی

خطّ ولایش، شعار اکبر و اصغر

صاحب این نعت و این صفات نکو کیست؟

حضرت معصومه دخت موسی جعفر

بزم حضور، ص: ۶۸

ای فلک رفعت و سپهر معالی

ای شرف دودمان ساقی کوثر

ای همه اسلاف تو اعاظم عالم

حجّت و پیغمبر و امام و رهبر

«لطفی صافی» ز هول روز قیامت

سخت غمین و پریش باشد و مضطر

چون پدر وچون برادرش به همه عمر

بوده شما را مدیح‌خوان و ثناگر

چشم امیدش بود به سوی شما باز

تا برهانیدش از جحیم مسعّر

قم، ۱۰ جمادی الاولی ۱۴۱۰ ه. ق

بزم حضور، ص: ۶۹

مشهد لقا

این روضه که مظهر آیات کبریاست

آرامگاه بانوی دین خواهر رضاست

مطلوب شیعیان و محبّان اهل بیت

مقصود اهل دل بود و مشهد لقاست

اشفعی لنا عندالله

با روی سیاه و بار سنگین گناه

با خجلت و شرمساری و حال تباه

در حضرت معصومه گُزیدیم پناه

یا فاطمه اشفعی لنا عندالله ۲]

بزم حضور، ص: ۷۰

عرش کبریا

این روضه صفیه حق، خواهر رضاست

یا خود اگر غلط نکنم عرش کبریاست

معصومه بنت موسی جعفر که تربتش

بر دیده اعاظم و اعلام توتیاست

مزار ولیّهٔ الله

به قم که پایگه شیعیان آگاه است

مزار عصمت کبری ولیّهٔ الله است

ایا کسی که بر این آستانه سایی سر

به هوش باش که دخت خلیفهٔ الله است

بزم حضور، ص: ۷۱

مهر معرفت

قبه‌ای کان جلوه‌ای از بارگاه کبریاست

پرتو آن نورافشان از زمین سوی سما است

قبه ناموس دین دخت امام هفتمین

کز بر فرّ و شکوهش فرّ گردون، کم بها است

حضرت معصومه مهر آسمان معرفت

درّ دریای کرامت، معدن شرم و حیا است

از طلا چون می‌توان بر قدر آن گنبد فزود

خاک راهش را شرف بر لعل و یاقوت و طلا است

به مناسبت تجدید طلاکاری گنبد مطّهر روضه منوّره فاطمه معصومه زاد الله تعالی فی شرفها و عرض تبریک به عالی محضر شیعیان و ارادتمندان اهل بیت علیهم‌السلام و زوّار و خدّام این حرم منوّر، و برای توسّل به ذیل عنایات آن کریمه آل محمّد صلوات الله علیهم اجمعین این ابیات مرتجلًا سروده و تقدیم شد.

۱۲ ربیع المولود ۱۴۲۶ هجری قمری

بزم حضور، ص: ۷۲

آثار حضرت آیت الله العظمی صافی مدظله الشریف در یک نگاه

نام کتاب--- زبان--- ترجمه

فقه

۱--- فقه الحج در ۴ جلد--- عربی---

۲--- القول الفاخر فی صلاهٔ المسافر--- عربی---

۳--- فقه الخمس--- عربی---

۴--- التعزیر (احکامه و ملحقاته)--- عربی---

۵--- ضرورهٔ وجود الحکومهٔ او ولایهٔ الفقهاء فی عصرالغیبهٔ (الخمس و ولایهٔ الفقیه)--- عربی--- فارسی

۶--- رسالهٔ فی معاملات المستحدثهٔ--- عربی---

۷--- التداعی فی مال من دون بینهٔ و لاید--- عربی---

۸--- رسالهٔ فی المال المعیّن المشتبه ملکیته--- عربی---

۹--- حکم نکول المدعی علیه عن الیمین--- عربی---

۱۰--- ارث الزوجهٔ--- عربی---

۱۱--- مع الشیخ‌جاد الحق فی ارث العصبه (مسألهٔ التعصیب)--- عربی---

۱۲--- حول دیات ظریف ابن ناصح--- عربی---

۱۳--- بحث حول‌الاستسقام بالازلام (مشروعیهٔ الاستخارهٔ)--- عربی---

۱۴--- الشعائر الحسینیه--- عربی---

۱۵--- توضیح المسائل--- فارسی---

۱۶--- منتخب الاحکام--- فارسی---

۱۷--- احکام نوجوانان--- فارسی--- انگلیسی

بزم حضور، ص: ۷۳

۱۸--- جامع الاحکام در ۲ جلد--- فارسی---

۱۹--- استفتائات قضایی--- فارسی---

۲۰--- استفتائات پزشکی--- فارسی---

۲۱--- مناسک حج--- فارسی--- عربی

۲۲--- مناسک عمره مفرده--- فارسی--- عربی

۲۳--- هزار سؤال پیرامون حج--- فارسی---

۲۴--- پاسخ کوتاه به ۳۰۰ پرسش در ۲ جلد--- فارسی--- آذری

۲۵--- احکام خمس--- فارسی---

۲۶--- اعتبار قصد قربت در وقف--- فارسی---

۲۷--- هدایهٔ العباد در ۲ جلد--- عربی---

۲۸--- هدایهٔ السائل--- عربی---

۲۹--- حواشی علی العروهٔ الوثقی--- عربی---

۳۰--- الرسائل الخمس فی فقه الإمامیهٔ--- عربی---

۳۱--- أوقات الصلوهٔ--- عربی---

۳۲--- آنچه هر مسلمان باید بداند------ آذری

اصول فقه

۳۳--- بیان الاصول در ۳ جلد--- عربی---

۳۴--- رسالهٔ فی الشهرهٔ--- عربی---

۳۵--- رسالهٔ فی حکم الاقل و الاکثر فی الشبههٔ الحکمیهٔ--- عربی---

۳۶--- رسالهٔ فی الشروط--- عربی---

۳۷--- رساله در احکام ثانویه--- فارسی---

قرآن و تفسیر

۳۸--- تفسیر آیه فطرت--- فارسی---

۳۹--- القرآن مصون عن التحریف--- عربی---

۴۰--- تفسیر آیهٔ التطهیر--- عربی---

بزم حضور، ص: ۷۴

۴۱--- تفسیر آیهٔ الانذار--- عربی---

عقاید و کلام

۴۲--- عرض دین--- فارسی---

۴۳--- به سوی آفریدگار--- فارسی---

۴۴--- الهیات در نهج‌البلاغه--- فارسی---

۴۵--- داوری میان شیخ صدوق و شیخ مفید رحمهٔ الله علیهما--- فارسی---

۴۶--- معارف دین در ۲ جلد--- فارسی---

۴۷--- پیرامون روز تاریخی غدیر--- فارسی---

۴۸--- ندای اسلام از اروپا--- فارسی---

۴۹--- نگرشی بر فلسفه و عرفان--- فارسی---

۵۰--- نیایش در عرفات--- فارسی---

۵۱--- سفرنامه حج--- فارسی---

۵۲--- شهید آگاه--- فارسی---

۵۳--- نوید امن و امان--- فارسی--- آذری

۵۴--- پاسخ ده پرسش--- فارسی---

۵۵--- اصالت مهدویت--- فارسی---

۵۶--- تجلی توحید در نظام امامت--- فارسی--- عربی

۵۷--- نظام امامت و رهبری--- فارسی---

۵۸--- ولایت تکوینی و ولایت تشریعی--- فارسی---

۵۹--- پیرامون معرفت امام--- فارسی---

۶۰--- عقیده نجات بخش--- فارسی---

۶۱--- به سوی دولت کریمه--- فارسی---

۶۲--- باورداشت مهدویت--- فارسی--- عربی

۶۳--- انتظار، عامل مقاومت و حرکت--- فارسی---

۶۴--- فروغ ولایت در دعای ندبه--- فارسی--- عربی

۶۵--- معرفت حجت خدا--- فارسی---

بزم حضور، ص: ۷۵

۶۶--- وابستگی جهان به امام زمان--- فارسی---

۶۷--- توضیحات پیرامون کتاب عقیده مهدویت در تشیع امامیه--- فارسی--- انگلیسی

۶۸--- امامت و مهدویت--- فارسی---

۶۹--- پیام‌های مهدوی--- فارسی---

۷۰--- گفتمان مهدویت--- فارسی--- انگلیسی

۷۱--- العقیدهٔ بالمهدیهٔ--- عربی--- فارسی

۷۲--- من لهذا العالم؟--- عربی---

۷۳--- گفتمان عاشورایی--- فارسی---

۷۴--- مقالات کلامی--- فارسی---

۷۵--- الاحکام الشرعیهٔ ثابتهٔ لاتتغیّر--- عربی---

۷۶--- الی هدی کتاب الله--- عربی---

۷۷--- ایران تسمع فتجیب--- عربی---

۷۸--- رسالهٔ حول عصمهٔ الانبیاء و الائمهٔ--- عربی---

۷۹--- تعلیقات علی رسالهٔ الجبر و القدر--- عربی---

۸۰--- لمحات فی الکتاب والحدیث والمذهب--- عربی---

۸۱--- صوت الحق و دعوهٔ الصدق--- عربی---

۸۲--- رد اکذوبهٔ خطبهٔ الامام علی (ع)، علی الزهرا (س)--- عربی---

۸۳--- مع الخطیب فی خطوطه العریضهٔ--- عربی--- اردو/ فرانسه

۸۴--- رسالهٔ فی البداء--- عربی---

۸۵--- جلاء البصر لمن یتولی الائمهٔ الاثنی عشر--- عربی---

۸۶--- بین العلمین، الشیخ الصدوقو الشیخ المفید------ عربی

بزم حضور، ص: ۷۶

۸۷--- حدیث افتراق المسلمین علی ثلاث و سبعین فرقهٔ--- عربی---

۸۸--- مقدّمات مفصلّهٔ علی «مقتضب الاثر» و «مکیال المکارم» و «منتقی الجمان» عربی---

۸۹--- امان الامّهٔ من الضلال والاختلاف--- عربی---

۹۰--- احکام شرعی و مسئلهٔ تغییرناپذیری------ فارسی

۹۱--- البکاءعلی الامام الحسین (ع)--- عربی---

۹۲--- النقود اللطیفهٔ علی الکتاب المسمی بالاخبارالدخیلهٔ--- عربی---

حدیث

۹۳--- منتخب الاثر در ۳ جلد--- عربی--- اردو/ انگلیسی

۹۴--- قبس من مناقب امیرالمؤمنین (ع) (مئة و عشر حدیث من کتب عامة)--- عربی‌فارسی

۹۵--- احادیث الائمة الاثنی عشر، اسنادها و الفاظها--- عربی---

۹۶--- احادیث الفضائل--- عربی---

۹۷--- پرتوی از فضائل امیرالمؤمنین (ع) در ۱۱۰ حدیث از کتب اهل سنت------ فارسی

تاریخ

۹۸--- سیرحوزه‌های علمی شیعه--- فارسی---

۹۹--- رمضان در تاریخ (حوادث تاریخی)--- فارسی---

سیره

۱۰۰--- پرتوی از عظمت امام حسین (ع)--- فارسی---

۱۰۱--- با عاشوراییان--- فارسی---

۱۰۲--- آینه جمال--- فارسی---

۱۰۳--- از نگاه آفتاب--- فارسی---

بزم حضور، ص: ۷۷

۱۰۴--- اشک و عبرت--- فارسی---

تربیتی

۱۰۵--- عالی‌ترین مکتب تربیت و اخلاق یا ماه مبارک رمضان--- فارسی---

۱۰۶--- راه اصلاح یا امر به معروف

و نهی از منکر--- فارسی---

۱۰۷--- با جوانان--- فارسی---

شعر

۱۰۸--- دیوان اشعار--- فارسی---

۱۰۹--- بزم حضور--- فارسی---

۱۱۰--- آفتاب مشرقین--- فارسی---

۱۱--- صحیفة المؤمن--- فارسی---

۱۱۲--- سبط المصطفی--- فارسی---

۱۱۳--- در آرزوی وصال--- فارسی---

مقاله‌ها و خطابه‌ها

۱۱۴--- حدیث بیداری (مجموعه پیام‌ها)--- فارسی---

۱۱۵--- شب‌پرگان و آفتاب--- فارسی---

۱۱۶--- شب عاشورا--- فارسی---

۱۱۷--- صبح عاشورا--- فارسی---

تراجم

۱۱۸--- زندگانی آیت الله آخوند ملامحمد جواد صافی--- فارسی---

۱۱۹--- زندگانی جابر بن حیّان--- فارسی---

۱۲۰--- زندگانی بوداسف--- فارسی---

---

[۱] (۱). این اشعار بر قسمت بالایی ضریح مطهر، حک شده است.

[۲] (۱). این اشعار بر قسمت بالایی ضریح مطهر، حک شده است.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-IR۹۰ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی

همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹